

تاریخ فرهنگی جهان اسلام

برآمدی بر تاریخ فرهنگ و تمدن در دوره‌ی اسلامی
تا پایان سده‌ی هفتم هجری

بروژن: اعظمی پور



سپند مینو

سرشناسه : اعظمی پور، برومند، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور : تاریخ فرهنگی جهان اسلام: دسده بر تاریخ فرهنگ و تمدن در دوره ی
اسلامی تا پایان سده ی هفت مجری/ برومند اعظمی پور

مشخصات نشر: تهران : سپندمینو، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۵۵۸ ص: نقشه (رنگی).

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۷-۲۴-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص ۴۵۹-۴۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه

عنوان دیگر: درآمدی بر تاریخ فرهنگ و تمدن در دوره ی اسلامی تا پایان سده ی هفت مجری.

موضوع : اسلام -- تاریخ

موضوع : Islam -- History

موضوع : تمدن اسلامی -- تاریخ

موضوع : Islam civilization -- History

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۲۱۶الف/ ۱۴ PIR

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۰۵۴۲۶



تاریخ فرهنگی جهان اسلام

(درآمدی بر تاریخ فرهنگ و تمدن در دوره‌ی اسلامی تا پایان سده‌ی هفتم هجری)

برومند اعظمی‌پور

صفحه‌آرا: شبنم شهبازی

طراح جلد: طیبه گمار

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۷-۲۴-۹

ناشر: سپندمینو، SEPANDMINOO.PUB@gmail.com

WWW.Sepandminoo.ir

مرکز پخش: کتاب‌فروشی ققنوس، تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران،

بازارچه کتاب، ۶۶۴۰۸۶۴۰-۶۶۴۶۰۰۹۹

فهرست

۵

پیش‌گفتار

فصل یکم

۱۱	مفهوم فرهنگ و تمدن
۱۳	۱. معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی فرهنگ
۱۵	۲. تعریف و مفهوم تمدن
۱۷	۳. تفاوت فرهنگ و تمدن
۱۸	۴. آرکان و پایه‌های تمدن
۲۱	۵. عوامل انحطاط تمدن

فصل دوم

۲۳	سراغاز شکل‌گیری جهان اسلام
۲۵	۱. ظهور اسلام؛ سراغاز دوره‌ی اسلامی
۳۰	۲. انگیزه و علل فتوحات
۳۶	۳. جایگاه علم و دانش در جزیره‌العرب و هنگام برآمدن اسلام

فصل سوم

۳۹	تمدن‌های تأثیرگذار در دوره‌ی اسلامی
۴۲	۱. تمدن ایرانی

۲. تَمَذُّن یونانی..... ۴۷
۳. تَمَذُّن مصری..... ۴۸
۴. تَمَذُّن هندی..... ۵۰

فصل چهارم

- ۵۵ شاخصه‌های دوره‌ی اسلامی؛ نهضت ترجمه
۱. ویژگی‌ها و شاخصه‌های جهان اسلام..... ۵۷
۲. از بارقه‌ها تا این نهضت ترجمه..... ۶۱

فصل پنجم

- ۷۳ نهادها و کانون‌های آموزشی و فرهنگی در جهان اسلام
۱. مَسْجِد..... ۷۵
۲. کُتَّاب (مَكْتَب، مَكْتَب‌خانه، ...)..... ۷۸
۳. بَيْتُ الْحِكْمَةِ (خِزَانَةُ الْحِكْمَةِ، دَارُ الْعِلْم، دارالْحِکْمَة)..... ۸۳
۴. مَدْرَسَه..... ۹۱
۵. بیمارستان، مدرسه‌ی طِبِّ (نهادهای آموزشی - درمانی)..... ۹۷
۶. رَصْدخانه..... ۱۰۰
۷. خانقاه..... ۱۰۲
۸. خانه‌ی دانشمندان و بزرگان فرهنگی..... ۱۰۳
۹. کاروان‌سرا..... ۱۰۴
۱۰. دیگر نهادهای آموزشی و فرهنگی..... ۱۰۸
۱۱. زبان علمی و آموزشی..... ۱۱۱
۱۲. مواد درسی و آموزشی..... ۱۱۴
۱۳. شیوه‌های آموزشی..... ۱۱۵
۱۴. جایگاه اجتماعی دانشمندان..... ۱۲۱
۱۵. ألقاب و عناوین علمی و آموزشی (فرهنگی)..... ۱۲۶

فصل ششم

۱۲۹	علم در جهان اسلام (علوم نقلی)
۱۳۱	درآمد
۱۳۲	دسته‌بندی علوم در جهان اسلام
۱۳۲	۱. قرائت
۱۳۶	۲. تفسیر
۱۳۹	۳. حدیث
۱۴۴	۴. فقه
۱۴۶	۵. کلام
۱۵۰	۶. ادبیات (نحو، لغت، شعر...)
۲۱۷	۷. تصوّف و عرفان (طریقات و مراتب صریحت)
۲۲۳	۸. تعبیر خواب

فصل هفتم

۲۲۵	علم در جهان اسلام (علوم عقلی)
۲۲۷	درآمد
۲۲۹	۱. فلسفه و منطق
۲۶۹	۲. کیمیا (شیمی)
۲۷۳	۳. طب (پزشکی)، صیدّته (داروشناسی)، نبات (گیاه‌شناسی)
۲۹۴	۴. هیأت و نجوم (ستاره‌شناسی)، ریاضیات (حساب، هندسه، جبر)
۳۲۸	۵. جغرافیا
۳۵۰	۶. تاریخ
۳۵۵	الف: سیر و مغازی
۳۶۲	ب: مقاتل و حروب
۳۶۳	ج: خراج و فتوح
۳۶۵	د: تاریخ‌های عمومی

۳۷۴	ه: تاریخ‌های دودمانی و تکی‌نگاری درباره‌ی فرمانروایان
۳۷۷	و: تاریخ‌های محلی
۳۷۸	ز: آسباب
۳۷۸	ح: طبقات
۳۸۲	ط: وزارت و دیوانسالاری
۳۸۵	ی: فرهنگ‌نامه‌های تاریخی
۳۸۷	ک: ادیان، فرّ و مذاهب

فصل هشتم

۳۹۱	معماری و هنر
۳۹۳	۱. معماری، هنرها و صنایع دستی
۴۰۲	۲. خط (خوشنویسی)
۴۰۶	۳. غناء و موسیقی
۴۲۴	سخن‌پایانی
۴۲۹	نقشه‌ها و تصاویر
۴۵۹	کتابنامه
۴۹۷	نمایه

برین نامه بر سال‌ها بگذرد
بخواند هر آنکس که دارد خرد
مُدارا خرد را برادر بود
خرد بر سر دانش افسر بود
فردوسی

پیشگفتار

برآمدن آیین اسلام در سده هفتم میلادی، سرآغاز دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بخش بساوری از جهان روزگار خود گردید، که باید آن را رویدادی دوران‌ساز در تاریخ دانست. این دگرگونی، نخست با تحولات سیاسی و نظامی آغاز شد، یعنی فتوحات نظامی اعراب مسلمان در شبه‌جزیره عربستان، خاورمیانه، شمال آفریقا و بخشی از خانات اروپا و تشکیل خلافت عربی-اسلامی. در نیمه‌ی سده‌ی دوم هجری به بعد با آمیختگی بیشتر تعاملات فکری و فرهنگی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون موجود در قلمرو خلافت اسلامی - یعنی ایرانی، مصری، هندی، سریانی، رومی، یونانی - و ترجمه‌ی آثار علمی و فرهنگی آنان به زبان عربی - زبان علمی و دینی آن روزگار - رفته‌رفته پدیده‌ای شکل گرفت که توانست برای چند سده طلایه‌دار علم و فرهنگ در روزگار خود باشد. امروزه، برخی از این پدیده با نام و عنوان «تمدن اسلامی» یاد می‌کنند، که البته این عنوان با انتقادات جدی روبروست. از جمله اینکه باید گفت دین یکی از اجزاء یا عناصر هر فرهنگ و تمدنی به‌شمار می‌رود و از زیرمجموعه‌های آن است. دین -

و یا ادیان - خود در درون یک تمدن که در قلمرو جغرافیایی (= مکان) و دورهی تاریخی (= زمان) خاص پدید آمده، وجود دارد و جای می گیرد. مثلاً آیین زردشت در درون تمدن ایران. پس هیچ گاه گفته نمی شود «تمدن زردشتی» بلکه همواره گفته می شود «تمدن ایران» یا تمدن ایرانی. این نوشتار بر آن است که به زبان ساده و بیان مختصر، اما با نگرشی علمی و مستند و روشمند، به چگونگی شکل گیری جهان اسلام و دورهی اسلامی از آغاز تا پایان سدهی هفتم هجری بپردازد.

آنچه که نگرنده ی این نوشتار را بر آن داشت که به نوشتن چنین کتابی دست یازد این بود که می دانم و می خوانم و می شنیدم - حال چه در فضای حقیقی و چه فضای مجازی - به طور کلی دو گروه از مردم در باب تاریخ دورهی اسلامی مطلب می گویند و می نویسند. یک گروه از اینان می توان گفت که نگاهی آرمانی و احساسی (احساس دینی - مذهبی) و متعصبانه جانب و از پیش اثبات شده و پیش داورانه و گاه پر خاشجویانه و طلبکار دارند و از آن همه ی خوبی ها و نیکی ها و بishرفت ها و مظاهر تمدن را مربوط به ظهور اسلام و به تمدن آیین عربی در گستره ای از جهان روزگار خویش می دانند، تو گویی که پیش از آن جهان باستان (ایران، روم و ...) اصلاً نبوده و یا اگر بوده اند در جهل و نادانی و استیلا تاریکی و بدی به سر می برده اند، و نور اسلام همه ی آنان را متمدن و روشن و بیدار ساخت و هر چه که داریم همه از اسلام ناب محمدی است و بس. (به سخن ابن سینه (۷۲۸ ه. ق) «علم نافع، تنها علمی است که میراث محمد پیامبر اسلام باشد»^۱؛ و «شَرَّعَان، علوم غیر شرعی را علوم «ردینه» یعنی علوم پست^۲ و بی ارزش می خواندند، و مقصودشان همان علوم اوائل (= علوم عقلی) همچون فلسفه و منطق بود. کسانی

۱. ابن تیمیه، مجموعه الرسائل الکبری، ج ۱، ص ۲۳۸، نقل از: حنا فاخوری و خلیل جر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه ی عبدالمحمد آیتی، ج ۸، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۹.

۲. فاخوری و جر، همان، ص ۳۴۹.

همچون ذَهَبی (د ۷۴۸ ه. ق) در باب این علوم غیر شرعی می گفتند که آن علوم «مَرَضی است در دین، یا خود هلاک دین است»^۱. با علوم عقلی به ویژه منطق مخالفت می ورزیدند و گفتند «مَنْ تَمَنَّقَ تَزَنَّقَ» یعنی هر کس منطق آموزد زندگی [بی دین] شود. و این قول خود مثلی شد)^۲. در پاسخ این گروه باید گفت که به گواه تاریخ نه چنین است و این گونه گفتن و نوشتن، تک صدایی و یک جانبه نگرستن و غیر علمی کار کردن است. از آن سو، یعنی گروه گویندگان و نویسندگان مقابل این گروه، کسانی بوده و هستند که آنان هم نگاهی آرمانی و احساسی (احساسات ملی گرایانه، نژادی، قومی، سیاسی و ...) بی پروا و بی پرده و گاه پرخاشجویانه داشتند و دارند. همه ی یکم، و خوبی ها و شادی ها و پیشرفت ها و مظاهر فرهنگی و تمدنی را مربوط به پیش دره ی اسلامی می دانند و همه ی بدبختی ها و ستم ها و عقب ماندگی ها و سیه روزی ها و تناهی ها را مربوط به آیین اسلام و عرب ها یا همان تازیان می دانند. در پاسخ این گروه نیز باید گفت که به گواه تاریخ نه چنین است و این گونه اندیشه و دیدگاه به مانند دیدگاه پیش اگر نگوییم که مغرضانه و متعصبانه است دست کم باید گفت که غیر علمی یا نا آگاهانه و احساسی است.

اینک، در این نبرد کهن دور و دراز و ادامه دار و با گسترش فضای مجازی و پیشروی تند و تیز و روزافزون آن که در گستره اش هر هر چه و کاربری خود را علامه ی جهان و فیلسوف زمان می داند - بماند که از انشای عالمانه و خالی از خطایشان! معلوم است که چقدر عالم اند و باسواد و داده هایشان چقدر ژرف است و با استناد! - چه باید کرد؟

چنین دریافتم که راه نه آن است و نه این، نه مذهبی خشک و متعصب و خودپرست، و نه دین ستیز مغرور و نژادپرست. چاره در این دیدم که راه میانه و

۱. فاخوری و جر، همان، ص ۳۴۹.

۲. همان، ص ۳۵۰.

اعتدال برگزینم که همانا شیوه و روش علمی و دانشگاهی^۱ و خردورزانه و واقع‌بینانه است، یعنی نگاهی تاریخ‌نگارانه با تکیه بر منابع کهن بر جای مانده از آن روزگاران و با رعایت اخلاق و شرافت علمی. این شیوه را تنها شیوه‌ی کارآمد و خردمندانه و روزآمد در پاسخگویی به نیازهای تاریخی (آگاهی تاریخی) افراد جامعه‌ام دانستم، حال تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. دشواری تألیف این گونه آثار را که در حوزه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای در تاریخ جای می‌گیرند یعنی با وجود حجم اندک دامنه‌ی فکری بس گسترده و ژرف دارند، اهل فن و پژوهشگران به نیکی می‌دانند و بدین دشواری جانکاه آگاهند.

نگارنده خویش به ریبی می‌داند که برای چنین اثری که خود چیزی جز چکیده یا درآمدی برای تاریخ‌نگار و تمدن در دوره‌ی اسلامی نیست، شاید دیگر نوشتن مقدمه‌ای نیاز نباشد؛ اما به حکم سب و به‌عنوان یادداشت لازم دید که لختی قلم را بگریانند و چند سطر بنویسد امید آنکه این نوشتار اندک و کم‌مایه، برای برخی از دانشجویان، علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ و فرهنگ و تمدن و یا دیگر کسانی که به منابع اصلی و دست اول در باب این موضوع دسترسی ندارند سودمند افتد و دست کم سرنخ‌هایی به‌دست دهد برای بررسی و تحلیلی گسترده‌تر و ژرف‌تر درباره‌ی جنبه‌های مختلف تاریخ اسلام، به‌ویژه برای حیثان بیگانه با کتاب، کم‌حوصله و کم‌انگیزی‌های امروزی. باشد که در ذهن خواننده، گره ذهنی بیافریند و اندیشیدن و پژوهیدن بیانگیزد. از آنجا که گوناگونی خوانش‌ها و تبادل نظر لازمه‌ی پیشرفت و پیامد ناگزیر پژوهش در هر شاخه‌ای از علوم انسانی است، این کتاب نیز مانند هر کتاب دیگری می‌تواند بایی باشد برای بحث و نقادی که گوهر دانایی است و شاید بتواند انسان‌ها را در فهم متقابل به هم نزدیک‌تر کند.

در این روزگار نابسامان، ناشایسته‌سالار و نابخردسالار که دست آزادگان بسته و

1. academic.

دست بدان گشاده و بر بَدی دراز، مرا به جز قلم و آلم هیچ بهره‌ای نیست. خوشبختی و نازش بزرگی است برای مردم نوشتن و از قلم به مُردی قلم‌فروشانِ درباریِ خداوندانِ خود کامگی و ستم به دور بودن. زیرا تنها مردمانند که همواره بوده و هستند و می‌مانند، اما حکومت‌ها اگر خوش هم بدرخشند ولی دولت مُستعجل و زودگذرند. به قول سعدی «که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید ... اما هنر چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود، دولت است؛ هر جا که ردّ قریند و بر صدر نشیند»، و به قول بیهقی «احق مردا که دل درین جهان بندد! که نعمتی بدها ر رشت بازستاند». در پایان از همه‌ی مهربانان و سرورانی که به‌نوعی نویسنده را در این سوسان نیم پژوهش و نگارش و آماده‌سازی یاریگر بوده‌اند بسیار سپاسگزارم. خوانندگان گرامی را متوجه این نکته می‌سازم که از خواندن مطالب پی‌نوشت‌ها چشم‌پوشی نمی‌بایند زیرا در راستای متن قرار دارند و تکمیل‌کننده‌ی آن به شمار می‌روند و دانستن آن‌ها برای همه مطالب بعد لازم است.

شهر خالیست ز عَشاق بود کز طرفی مردی از خویش برون آید و کاری بکند؛
سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی و خیر آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

برومند اعظمی‌پور

کرمانشاه، یکشنبه فروردین ۱۳۹۶ خورشیدی

۶ فروردین ۱۳۹۶ خورشیدی (ایرانی)

۲۷ شهریور ۱۴۳۸ هجری قمری

۲۷ مارس ۲۰۱۷ میلادی

ناما وه وه‌هار، وه‌هاری شادی بوی عه‌تری نه‌سیم غونچه‌ی نازادی

خیل خانه‌ی خه‌فت بار به‌نیش که‌رده‌ن مه‌ینه‌ت رو نیان وه‌ماوای مه‌رده‌ن

مولوی کُرد (عبدالرحیم بن سعید).

۲. هر جا که کُرد هست آنجا ایران زمین است و ایران سرزمینِ اول و آخر کُردهاست.

آنکس که ز شهر آشنایی است داند که متاع ما کجایی است